

نقش مادر در تربیت فرزند خداپاور با نگاهی به داستان همسر عمران

ام‌البنین حسنی^۱، وجیهه شیرکوند مقدم^۲

چکیده

پژوهش حاضر باهدف تبیین نقش مادر در تربیت فرزند خداپاور تدوین شده است. نوع تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده است که بااستفاده از آیات و روایات به‌ویژه تأثیر آیه ۳۵ آل عمران بر تربیت کودک بیشتر مورد توجه است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مادر بیشترین نقش را در تربیت و شکل‌گیری شخصیت فرزند دارد؛ زیرا از همان ابتدای انعقاد نطفه تا دوران کودکی، نوجوانی و جوانی مأنوس با فرزند خود است. مادر از نظر دینی، عاطفی، اخلاقی و جسمانی در تربیت فرزند مؤثر است و لازم است در مسیر تربیت فرزند صالح تلاش کند. کودک تأثیرات اخلاقی، اعتقادی و عاطفی را از رفتار و عملکرد مادر فرامی‌گیرد. بنابراین، مادر خداپاور می‌تواند فرزند خود را با تربیت تربیت کند.

واژگان کلیدی: تربیت، مادر، فرزند، تربیت دینی، خداپاور.

۱. مقدمه

تربیت فرزند یکی از امور مهمی است که قرآن و پیامبر اسلام ﷺ به آن بسیار تأکید می‌کند. پدر و مادر در این رابطه نقش کلیدی و اساسی دارند که علاوه بر تربیت و رشد جسمی فرزند باید به تربیت روحی، روانی و خداپاوری آن نیز توجه ویژه‌ای کرده و از همان خردسالی برای ایجاد زمینه‌های خداپاوری در فرزند برنامه‌ریزی کنند که با اخلاق اسلامی و مبادی دین اسلام آشنا و به آن آگاهی یابند. تاریخ آفرینش انسان نماینگر این واقعیت است که هم‌زمان با آفرینش انسان بر

۱. دانش‌پژوه کارشناسی مقطع روان‌شناسی از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

۲. مربی گروه مطالعات زنان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

روی زمین، دین نیز متولد شده است و همواره پیامبرانی به کار هدایت و راهنمایی انسان‌ها مشغول بوده‌اند. تعلیم و تعلم از نظر اسلام اهمیت زیادی دارد. اگر پدر و مادر بتوانند با تعلیم و تعلمشان فرزندی خداپاور و مسلمان تحویل جامعه دهند و یا اگر معلم بتواند اصول دینی را به درستی در شاگرد خود نهادینه کند در زیست فردی شخص و جامعه تأثیر عمیق خواهد داشت و ثوابش همانند این است که جهان را زنده کرده باشد. پژوهش حاضر، نقش مادر در تربیت فرزند خداپاور باتوجه به داستان همسر عمران در سوره آل عمران را بررسی می‌کند.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. تربیت

واژه تربیت مصدر باب تفعیل از ریشه ربو و در لغت به معنای رشد، افزایش یافتن و اصلاح چیزی آمده است. ابن منظور می‌گوید: «تربیت از ربو به معنای زیادتی، رشد، نمو و نگهداری است» (ابن منظور، ۱۴۱۶). راغب اصفهانی تربیت را تغییر تدریجی امری می‌داند به گونه‌ای که آن چیز به حد تمام برسد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲). ابن فارس معتقد است: «اقدام بر اصلاح چیزی را تربیت می‌گویند» (ابن فارس، ۱۳۹۹). بالاین وجود، اتفاق نظر چندانی درباره تعریف تربیت در اصطلاح وجود ندارد. صاحب نظران مکتب‌های گوناگون علمی و تربیتی هرکدام براساس گرایش، سلیقه و نیاز حوزه تخصصی خود تعریفی از تربیت داشته‌اند که مجال بررسی آنها در پژوهش حاضر نیست. موضوع مهم در پژوهش حاضر، مفهوم تربیت از دیدگاه اسلام و قرآن است که آن را در تعریف‌های کارشناسان دینی و اسلامی می‌توان یافت. دانشمندان اسلامی باتوجه به معنای لغوی تربیت یعنی، مفهوم پرورش دادن، شکوفا ساختن، رشد دادن، فراهم آوردن، زمینه‌های به فعلیت رساندن استعداد‌های درونی و بیرونی، برداشت‌های متفاوتی از آن دارند. استاد مرتضی مطهری می‌نویسد: «تربیت به معنای پرورش دادن استعداد‌های درونی است که بالقوه در یک شیء موجود است؛ یعنی آن توانایی‌های بالقوه را به فعلیت برساند» (مطهری، ۱۳۷۱، ص ۶). برخی دیگر از صاحب نظران نیز تربیت را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «تربیت یعنی، پرورش دادن استعداد‌های

مادی و معنوی و هدایت آن به سوی کمالاتی که خداوند در وجود آدمی قرار داده است» (صانعی، ۱۳۷۸، ص ۱۱). ماده رب یا ربو به شکل های گوناگون در قرآن به کار رفته که بیشتر به معنای ربوبیت الهی و زیادت و فرونی است و تنها در دو مورد به معنای تربیت انسان آمده است: یکی به شکل فعل ماضی: «رَبِّ اِزْحَمُّهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا؛ پروردگارا! همان گونه که آنها (پدر و مادر) مرا در کوچکی تربیت کردند مشمول رحمتشان گردان» (اسرا: ۲۴) و دیگری در قالب فعل جحد آمده است: «أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا؛ آیا ما تو را در کودکی در میان خود بزرگ نکردیم» (شعرا: ۱۸). ظاهر این دو آیه مطلق است که همه جنبه های تربیت انسان از جسمی و معنوی را دربرمی گیرد. با توجه به آیات قرآن و یافته های اندیشمندان اسلامی می توان گفت تربیت دینی عبارت است از: «فرآیند فراهم ساختن زمینه های رشد جسمی و روحی متری به گونه ای که خود وی با اراده و اختیارش در مسیر تکامل مادی و معنوی گام بردارد و به هدف نهایی که همان تقرب به خداست، دست یابد». پیامبران، اولیای الهی و امامان معصوم علیهم السلام که مریبان دینی در طول تاریخ بودند برای هدایت مردم برانگیخته شدند و هدف اصلی آنها روشن کردن چراغ فطرت بشر است که بر اثر گناهان روبه خاموشی می رود. مریب دینی باید به شیوه پیامبران و اولیای خدا که بهترین منادیان دین حق بودند، عمل و آن هدایت گر درونی یعنی، فطرت الهی را در نهاد متری شکوفا کند. مادر نیز می تواند این شیوه تربیتی را در نخستین روزهای زندگی فرزند به گونه ای مطلوب در محیط خانه به کار ببندد. مادر از هر کس دیگری به فرزندش نزدیک تر است و از همه بیشتر با وی رابطه و انس دارد. از این رو می داند که چگونه با کودکش رفتار کند. مادر باید از نظر روحی و عاطفی به گونه ای فرزندش را تربیت کند که به ندای فطرت خود پاسخ گوید و خود را به گناه آلوده نکند. فراهم کردن زمینه های رشد جسمی و روحی و شکوفاسازی استعداد های درونی و فطری فرزند در سه جنبه شناخت، ایمان و عمل از وظایف یک مادر و مریب شایسته است به گونه ای که خود به سوی کمال الهی و انسانی گام بردارد. بنابراین، منظور از تربیت دینی در نوشتار حاضر فراهم کردن زمینه های شکوفا شدن توانایی های ذاتی و فطری فرزند در جنبه های شناختی، عاطفی و اخلاقی خدا باوری

است به‌گونه‌ای که وی با اراده و اختیار خود در مسیر رشد و بالندگی روحی و معنوی گام بردارد و به سعادت ابدی یعنی، قرب پروردگار برسد.

۳. تفاوت تربیت فرزند خداپاور و غیرخداپاور

همان‌گونه که آموزه‌های الهی با آموزه‌های غیرالهی تفاوت دارد تربیت فرزند خداپاور نیز از تربیت فرزند غیرخداپاور متفاوت خواهد بود. تفاوت این دو نوع تربیت بسیار است.

الف) به نظر می‌رسد مهمترین تفاوت تربیت فرزند خداپاور با غیرخداپاور هماهنگ بودن تربیت فرزند خداپاور با فطرت و خواسته‌های فطری انسان است. این امر از فطرت خدادادی بشر سرچشمه گرفته است. از این رو، برنامه‌های دینی به‌طور کامل با عقل و عقلانیتی منطبق است که از نهاد بشر برمی‌خیزد. علامه طباطبایی رحمته‌الله‌علیه می‌فرماید: «دین، انسانیت را به‌سوی یک سلسله مسائل حیاتی دعوت می‌کند که قبل از آن، فطرت خدادادی وی را به آن می‌خواند» (علامه طباطبایی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۶). درمقابل، تربیت غیرخداپاور این ویژگی را ندارد، بلکه انسان را از فطرت اولیه‌اش دور می‌کند. در تربیت غیرالهی رعایت ارزش‌های دینی نه تنها مهم نیست، بلکه متربی را برضد آن پرورش می‌دهد. برای نمونه می‌توان گفت: «امروزه در جهان غرب مانع حجاب داشتن زنان و دختران می‌شوند و زمینه‌گسترش فحشا و منکر را در جامعه فراهم می‌کنند. روشن است که گسترش بی‌بندوباری در جامعه، انسان را از فطرت ذاتی‌اش دور و از مسیر اصلی‌اش منحرف می‌کند»؛

ب) تربیت الهی بر واقع‌بینی مبتنی است نه پندار و توهم؛ زیرا دین با فطرت انسان ارتباط مستقیم دارد و فطرت انسانی نیز به حقیقت دعوت می‌کند نه توهم. چنان‌که وقتی نوزاد گرسنه می‌شود شیر می‌خواهد نه تصور شیر. اسلام نیز انسان را از هوا و هوس و خرافه‌پرستی که توهمی بیش نیست، نهی می‌کند و به آنچه حق و صلاح فرد و جامعه است، فرمان می‌دهد. به‌همین دلیل انسان مؤمن در پرتو آموزه‌های اسلام، هوا و هوس خود را کنترل می‌کند و با عمل به دستورهای قرآن مقصود حقیقی خود را می‌یابد. درمقابل تربیت غیرالهی و غیرخدایی، هدفی جز دعوت به

پندارگرایی و فرورفتن در لهو و لعب و خوش گذرانی ندارد و سرابی بیش نیست. (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۲۴) امام علی علیه السلام می فرماید: «الهُوَى شَرِيكُ الْعَمَى؛ هوای نفس، شریک نابینایی است» (نهج البلاغه، نامه ۳۱). از آنجا که عمی به معنای نابینا و درمقابل بیناست، می توان گفت که هوای نفسانی نیز که با آن شریک است از حقیقت بی بهره است؛

ج) تربیت الهی مبتنی بر اعتدال و میانه روی است و بدون اینکه انسان را از لذت های حلال دنیا بازدارد میان زندگی دنیا و آخرت تعادل برقرار می کند. انسان نمی تواند زندگی یک بعدی داشته باشد و تنها به مادیات یا معنویات بسنده کند؛ زیرا در جهان ماده بدون مادیات نمی توان زندگی کرد. همچنین زندگی بدون خدا باوری و خداپرستی ممکن نخواهد بود. تربیت خدا باور تلاش می کند انسانی پرورش دهد که زندگی دنیا را مقدمه حیات اخروی بداند و از آن برای زندگی پس از مرگ توشه بگیرد درحالی که تربیت غیر خدا باور زندگی را در عالم ماده منحصر می داند و برای ماورای آن اهمیتی قائل نیست (علامه طباطبایی، ۱۳۷۱، ص ۲۳)؛

د) تربیت الهی و خدا باور، حس مسئولیت پذیری را به گونه ای در انسان پرورش می دهد که وی خود را در همه کارهای فردی و اجتماعی نزد خدا مسئول بداند. مؤمن با ایمان قلبی خود همیشه خدا را حاضر و ناظر بر رفتارش می بیند. وی بر این باور است که: «اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ؛ خداوند بر همه آنچه انسان انجام می دهد احاطه کامل دارد» (انفال: ۴۲)؛

ز) هدف اصلی تربیت الهی و خدا باوری، پرورش روح انسان است و تلاش می کند مرتبی را از نظر روحی به خدا نزدیک کند و در آخر به مقام قرب الهی برساند. این کار با تربیت درست و تزکیه نفس امکان پذیر است. درحالی که هدف تربیت غیردینی، تربیت ظاهری است در باطنی که این باعث می شود افراد، هنجارهای جامعه را بی چون و چرا بپذیرند و به تربیت روحی و معنوی انسان بی توجه باشند (سادات، ۱۳۸۴، ص ۶۵).

۴. قلمرو تربیت دینی

قلمرو تربیت الهی، قلمرو گسترده ای است. همان گونه که دین با جسم، جان، احساس و عواطف انسان سروکار دارد و برای زندگی فردی و اخلاقی بشر برنامه ریزی می کند تربیت دینی و خدا باوری

نیز در همین راستا گام برمی‌دارد و باید همین هدف را دنبال کند؛ زیرا تربیت الهی از دین الهام می‌گیرد و با به‌کارگیری آموزه‌های دینی به پرورش انسان می‌پردازد. دین همه جنبه‌های زندگی بشر را در برمی‌گیرد و برای هر جنبه‌ای، شیوه و رفتار ویژه‌ای را ارائه می‌کند. تربیت الهی و خداباوری نیز این رسالت را دارد که دستورهای دینی را در جامعه نهادینه کند و مردم را به پیروی از آموزه‌های دینی فراخواند. بر همین اساس، تربیت دینی و خداباوری، گستره وسیعی دارد و همه جنبه‌های زندگی انسان از مادی و معنوی را فرامی‌گیرد. هدف اصلی پیامبران و اولیای الهی، تعلیم، تربیت و پرورش اخلاق انسان‌ها بود. آنها تلاش بسیاری را در این زمینه انجام دادند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «همانا من برای اتمام و تکمیل اخلاق نیکو برانگیخته شده‌ام» (ری‌شهری، ۱۳۸۵، ص ۱۷) اخلاق یعنی، خلق و خو و هرگونه رفتاری که از انسان سر می‌زند. بر این اساس، هدف اصلی بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله تربیت الهی و اخلاقی بود. از بررسی قرآن کریم و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله مشخص می‌شود که فرآیند تربیت الهی و خداباوری تا قلمرو گسترده در طول تاریخ وجود داشته است و پیامبران و مربیان دینی از آغاز تاکنون برای تحقق آن با جدیت تمام تلاش کرده‌اند. هرگز نمی‌توان راه پرفراز و نشیبی که مربیان اسلامی برای پرورش باورهای دینی پیموده‌اند را توصیف کرد، ولی آنچه باید به آن توجه داشت این است که این مهم را در محیط خانه، مدرسه و جامعه انجام دهند. به هر صورت تمام رفتارهای انسان از کوچک و بزرگ می‌تواند در قلمرو تربیت دینی قرار می‌گیرد و راهکارهای بسیاری درباره آن در قلمرو اسلام وارد شده است.

۵. جایگاه مادر در اسلام

هرچند همه ادیان الهی برای مقام مادر ارزش قائل هستند، ولی اسلام بیش از دیگر مکتب‌های دینی به این مسئله توجه کرده و به مادر احترام و عظمت بسیاری بخشیده است. اسلام، حقوقی را برای مادر که مربی انسان و پرورش دهنده جامعه است، قرار داده؛ زیرا اوست که می‌تواند جامعه را به سوی سعادت یا شقاوت و بدبختی بکشانند.

۵-۱. جایگاه مادر از نگاه قرآن

با دقت در برخی آیات قرآن مشخص می‌شود که خداوند از مادر به عظمت یاد کرده و مقام وی را ستوده است. وحی و الهام مستقیم خدا به مادر موسی عَلَيْهِ السَّلَام اظهار ارادت و نیکی عیسی عَلَيْهِ السَّلَام به مادر، بیان زحمت‌ها و رنج‌های مادر در قرآن و دستور حق تعالی به احسان و نیکی به پدر و مادر همه گواه والایی جایگاه مادر است. خدا پس از سفارش به احسان والدین به رنج و زحمت‌هایی که مادر برای فرزند متحمل می‌شود، اشاره می‌کند و می‌فرماید: «مادرش او را با ناراحتی حمل می‌کند و با ناراحتی بر زمین می‌گذارد و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش سی ماه است تا زمانی که به کمال و رشد برسد و به چهل سالگی برسد» (لقمان: ۱۴). بیان رنج و تلاش مادر با اینکه پدر نیز در تربیت فرزند شریک است دلیلی بر اهمیت و ارزش کار مادر است. روشن است کسی نزد حق تعالی مقام بالاتری دارد که کار ارزشمندتری انجام دهد. نکته مهم در آیات مربوط به احسان پدر و مادر این است که خداوند نخست به نیکی کردن به پدر و مادر دستور می‌دهد، سپس بدون بیان زحمت‌های پدر، مشکلات و ناراحتی‌های مادر را بیان می‌کند؛ گویی مادر حامل اصلی در لزوم نیکی به والدین بوده و کار او چنان ارزشمند است که احسان به پدر را نیز بر فرزند واجب می‌کند. اگر نبود صبر و پایداری مادر در برابر سختی‌های دوران بارداری و پذیرفتن ناگواری‌های طاقت‌فرسای دوره شیردهی و تربیت فرزند شاید این‌گونه قطعی به احسان به والدین به صورت مطلق حکم نمی‌شد. در قرآن مسئله نیکی به پدر و مادر با عبادت خدای متعال یکسان معرفی شده است: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا؛ و پروردگارت فرمان داده است جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید» (اسراء: ۲۳).

۵-۲. جایگاه مادر در سنت رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

منظور از سنت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سخنان، منطق عملی و شیوه زندگی آن حضرت است. احترام به شخصیت و مقام مادر و رعایت حقوق وی در سیره نبی اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به خوبی مشهود است. پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در تبیین مقام مادر می‌فرماید: «الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ؛ بهشت زیر پای مادران

است» (ری شهری، ۱۳۸۵). این حدیث بدین معناست که بدون رضایت مادر نمی‌توان به بهشت و نعمت‌های بهشتی دست یافت و اگر کسی بخواهد به درجات عالی بهشت برسد باید به مادر احترام بگذارد و به او خدمت کند. این همه ارج نهادن به مادر شاید به دلیل زحمت‌هایی است که مادر می‌کشد. رنج و زحمت دوران بارداری و نوزادی و تأمین نیازهای جسمی و روحی فرزند از مشکلات طاقت‌فرسایی است که مادر با جان تحمل می‌کند. طبیعی است که خداوند در برابر بردباری مادر، پاداش بی‌پایانی به او عنایت می‌کند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «روزی جوانی خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: یا رسول الله به چه کسی نیکی کنم؟ حضرت فرمود: به مادرت. دوباره پرسید: به چه کسی نیکی کنم؟ حضرت فرمود: به مادرت. برای مرتبه سوم پرسش را تکرار کرد. پیامبر فرمود: به مادرت. جوان پرسید: پس از آن به چه کسی نیکی کنم؟ پیامبر فرمود: به پدرت». سیره حضرت محمد صلی الله علیه و آله در احترام گذاردن بسیار به مادرش آمنه علیها السلام بهترین دلیل بر عظمت مقام مادر است.

۳-۵. جایگاه مادر در سیره امامان معصوم علیهم السلام

امام سجاد علیه السلام درباره حق مادر و عظمت و منزلت وی می‌فرماید: «حق مادر بر تو این است که بدانی او تو را حمل کرد آن‌گونه که هیچ‌کس دیگری را حمل نمی‌کند و از میوه قلبش به تو داد که هیچ‌کس به دیگری نمی‌دهد. تو را با جمیع اعضا و جوارحش در آغوش گرفت و باکی نداشت از اینکه گرسنه باشد، ترسی نداشت در جایی که خود تشنه باشد آن هنگام که تو را سیراب می‌ساخت و نیز هراس نداشت که خود برهنه باشد آن‌گاه که تو را می‌پوشانید و در آفتاب باشد تا تو را به سایه ببرد و خواب را به دلیل تو ترک و تو را از سرما و گرما محافظت کرد و تو نمی‌توانی شکرگزار در خدمات او باشی مگر با همیاری و توفیق پروردگار. (صحیفه سجادیه، ۱۳۸۲، ص ۱۹۳)

۴-۵. جایگاه مادر در اندیشه بزرگان

۱-۴-۵. ملا محسن فیض کاشانی

فیض کاشانی راهکارهایی درباره احترام به والدین به‌ویژه مادر دارد که همگان را به رعایت آنها سفارش می‌کند. ایشان می‌نویسد: «ادب فرزند با پدر و مادر به این است که سخن آنها را بشنود و

بیش پای آنها برخیزد و امر آنها را گردن نهد و هیچ‌گاه جلوتر از آنها راه نرود. صدایش را از صدای آنها بلندتر کند و دعوت آنها را اجابت کند و بر جلب رضایت و خشنودی آنها حریص باشد و اگر در حق آنها نیکی کرد بر آنها منت نگذارد و اگر کاری برای آنها انجام داد خود را طلب‌کار ندارد و با تندی به آنها ننگرد و چشم در چشم آنها ندوزد و جز با اجازه آنها مسافرت نکند» (فیض کاشانی، بی‌تا، ص ۲۰۳).

۵-۴-۲. ملا احمد نراقی

ملا احمد نراقی در کتاب معراج السعاده با تأکید بر فضیلت نیکی به پدر و مادر، عاق والدین را گناه نابخشودنی می‌شمرد و در ادامه می‌فرماید: «بدان که عقوق پدر و مادر عبارت است از: خشم آوردن و شکستن دل و آزدن خاطر ایشان و به هر نوع که دل ایشان آزرده شود عقوق حاصل می‌شود و آدمی مستحق عذاب الهی و بلای غیرمتناهی می‌گردد؛ خواه به زدن باشد یا دشنام دادن یا صدا به ایشان بلند کردن یا تیز برایشان نگریستن یا از ایشان روی گرداندن و بی‌توجهی یا از ایشان نافرمانی کردن در امری که اطاعتشان لازم است». (نراقی، ۱۳۸۳، ص ۵۱۷)

۶. نقش مادر حضرت مریم در تربیت فرزند

همسر عمران، مادر مریم علیها السلام زن نمونه و بانویی است که در قرآن ستایش شده و زن برگزیده از میان عالمیان معرفی شده است: «وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ؛ به‌یاد آورید هنگامی را که فرشتگان گفتند: ای مریم خدا تو را برگزید و پاک ساخت و بر تمام زنان جهان برتری داده است». (آل عمران: ۴۶) قداست و برگزیدگی مریم با تربیت یافتن وی در دامن مادری مانند همسر عمران که صاحب شایستگی‌ها، باور، اخلاص و ایمان بود بی‌ارتباط نیست؛ زیرا قرآن قبل از تکریم مریم علیها السلام ویژگی‌های مادر او را بیان می‌کند: «به‌یاد آورید هنگامی را که همسر عمران گفت: خدایا آنچه را در رحم دارم برای تو نذر کردم که محرر و آزاد برای خدمت خانه تو باشد. از من بپذیر که تو دانا و شنوا هستی» (آل عمران: ۳۵). بی‌تردید زنی با این خداباوری و نیت الهی و معنوی، دوره بارداری خود را در کمال پروا پیشگی و بزرگی خالصانه به‌سر برده و

مراقب طهارت ظاهری، باطنی و دوری از آرایش‌های تأثیرگذار بر کودک خود بوده است. اهمیت یادکرد قرآن از انگیزه الهی و خالصانه مادر مریم به‌هنگام بارداری و پیشکش کردن جنین خود به پیشگاه پروردگار هستی آن‌گاه میسر می‌شود که براساس کاوش‌ها و دریافت‌های جدید علمی مشخص می‌شود که حوادث محیطی و پیرامونی کودک از زمان تولد و حتی پیش از آن و در دوره جنینی مانند تصورات، افکار، حزن و اندوه او رفتارها و عملکردهای مادر و تغذیه، نظافت، گرفتن از شیر و آموزش در تنظیم و شکل‌گیری شخصیت آینده او تأثیر کامل دارد. روایات و نصوصی که از آداب زفاف، شرایط زمانی، مکانی و بایسته‌های زمان آمیزش، تأثیر آب و هوا، تغذیه و حالات روحی مادران بر فرزندان در دوره بارداری و شیردهی سخن می‌گویند از همین منظر قابل دقت است. بنیامین اسپاک می‌نویسد: «انسان قبل از تولد نه‌تنها در رحم مادر رشد می‌کند، تغذیه می‌شود و محیط گرمی دارد، بلکه در همه حرکت‌های او شریک است» (اسپاک، ۱۴۰۰، ص ۵۳۴).

مادر مریم در نخستین لحظه‌های تولد فرزندش در اندیشه پایبندی به عهده‌ی است که با خدا بسته است. زمانی که برخلاف تصور او دختری به دنیا آورده که نمی‌تواند براساس رسوم آن جامعه در شمار خدمتکاران خانه خدا درآید این رویداد خلاف تصور چیزی از ایمان وی کم نمی‌کند و او همچنان ثابت قدم در عهدش باقی ماند و نوزادش را مریم یعنی، عبادت‌کننده خداوند نام می‌نهد و با سپردن او و نسلش به خداوند خواهان امداد الهی در تربیت وی می‌شود: «ولی هنگامی که او را به دنیا آورد (و او را دختر یافت) گفت: خداوندا! من او را دختر آوردم، ولی خدا از آنچه او به دنیا آورده بود، آگاه‌تر است و پسر همانند دختر نیست. من او را مریم نام گذاردم و او و فرزندانش را از وسوسه‌های شیطان رانده شده در پناه تو قرار می‌دهم» (آل عمران: ۳۶). واژه عوذ به معنای پناه بردن، پناه دادن و تمسک به غیر است (رشیدرضا، ۱۹۹۰، ۲۹/۳). عوذ مریم به خدا یعنی، به تمام و کمال سپردن او به خداوند. مادر مریم در تربیت شایسته او از هیچ کوششی فروگذار نکرد و خداوند به دست او و در دامان او مریم را به رشد و کمالی بس نیک و شایسته رساند: «وَأَنْبَتْنَاهَا نَبَاتًا حَسَنًا» (آل عمران: ۳۷). این آیه بیانگر رشد، تربیت و پرورش بایسته و مطلوب مریم علیها السلام است. قرآن یادآور شده است که پاکی و پاکدامنی و صلاح پدر و مادر مریم در جامعه آنها مورد تأیید و تأکید بوده و

مردم انتظار داشتند که به حکم قوانین طبیعی و اجتماعی، مریم نیز فردی شایسته باشد و قرآن این انتظار را رد نکرده و نادرست نشمرده است.

۷. ابعاد مختلف تربیت در روایات و نصوص قرآنی

۱-۷. تربیت جسمانی

در روایت‌های بسیاری، وجود فرزند به گل تشبیه شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «فرزند صالح، گلی است از گل‌های بهشت» (حرعاملی، ۱۴۱۲). وجه تشابه فرزند به گل این است که فرزند در سال‌های نخست زندگی به‌ویژه دوران نوزادی همانند گل بهاری، جسمی لطیف، نازک و روحی باطراوت دارد. از این رو، به شدت به حفظ و نگهداری نیازمند است و اگر از او مراقبت نشود گل وجودش به پژمردگی و زردی خواهد گرایید. تنها کسی که می‌تواند به نیازهای جسمی و روحی کودک پاسخ مناسبی دهد، مادر است؛ زیرا مادر به شرایط زیستی و روانی کودک بیش از دیگری آشناست و اوست که با مهر و محبت می‌تواند از کودک نگهداری و نیازهای روحی و جسمی وی را رفع کند. نگهداری و پرورش بچه به‌ویژه در سال‌های نخست زندگی، کاری بس مشکل و طاقت‌فرساست که تنها با مهر مادری امکان‌پذیر خواهد بود.

۲-۷. تربیت دینی

تربیت دینی از دیدگاه اسلام و قرآن اهمیت بسیاری دارد و از آغاز زندگی فرزند باید بدان توجه کرد. نقش مادر در پرورش دینی و مذهبی فرزند روشن است. این نقش، دوران پیش از تولد و نیز پس از آن یعنی، دوران کودکی، نوجوانی و جوانی را شامل می‌شود.

۳-۷. تربیت اخلاقی

نقش مادر در تربیت اخلاقی فرزند بر همگان روشن است و چندان نیازی به تبیین ندارد. مادر مهمترین و نخستین الگوی رفتاری و اخلاقی فرزند است چنان‌که هر کاری که انجام می‌دهد در منش و شیوه رفتار او با دیگران اثر می‌گذارد. مادر با رفتار پسندیده خود، انسان می‌پروراند، فرزند را از عالم ناپاکی‌ها، حسدها، کینه‌ها و صفات ناپسند اخلاقی دور می‌کند و محبت و خیراندیشی به

هم‌نوع را به وی می‌آموزد. مادر سرچشمه فضیلت‌ها و خوبی‌هاست. وی می‌تواند درس تقوا و خدا ترسی به فرزند بیاموزد و از کودکی ضعیف و ناتوان، شخصیت بزرگ علمی و اخلاقی بسازد و تحویل جامعه دهد. (عابدی، ۱۳۹۲، ص ۱۶) اگر مادر به وظیفه خود عمل نکند و در برابر چشمان کودک دست به رفتارهای نامناسب و ناشایست بزند کودک از وی پیروی می‌کند و انسان پست و منحرفی می‌شود. امام خمینی رحمته‌الله علیه می‌فرماید: «مادر خوب، بچه خوب تربیت می‌کند و خدای نخواستہ اگر مادر منحرف باشد بچه‌ها از همان دامن مادر، منحرف بیرون می‌آید؛ زیرا بچه‌ها آن علاقه‌ای که به مادر دارند به هیچ‌کس ندارند و در دامن مادر که هستند تمام چیزهایی که دارند، آرزوهایی که دارند، خلاصه می‌شود در مادر و همه چیز را در او می‌بینند» (شریعتی، ۱۳۹۶، ص ۱۳۴).

۷-۴. تربیت عاطفی

مادر از نظر روانی و عاطفی، سرشار از محبت و صمیمیت است. وی به سبب ساختار وجودی‌اش، قدرت جذب و توان بالایی در ابراز احساسات و عواطف دارد. حال اگر از این توان درست و به‌جا استفاده شود در تحکیم پیوند خانوادگی و چگونگی شکل‌گیری روابط اجتماعی و تربیت فرزندان نقش سازنده‌ای خواهد داشت. مادر می‌تواند با رعایت اصول و قوانین اسلامی در سامان‌دهی امور خانواده و پرورش فرزندان نقش مهمی ایفا کند. ویژگی عاطفی زنان، بستر مناسبی برای ایفای نقش مادری و تربیت فرزندان است. (قائمی، ۱۳۹۷، ص ۲۱۸) یکی از جنبه‌های مهم نقش تربیتی مادر، نقش وی در پرورش عواطف فرزند است که آثار آن در رفتار وی به خوبی نمایان می‌شود. اسلام به ویژگی عاطفی و روانی مادران توجه ویژه‌ای داشته و به این جنبه از وجود آنها اهمیت فراوان داده است. رسول اعظم صلی‌الله علیه و آله و سلم در این باره می‌فرماید: «خداوند با زنان و مادران، مهربان‌تر از مردان است» (حرعاملی، ۱۴۱۲، ۱۰۴/۱۵). توجه ویژه خداوند به عواطف مادران، مسئولیت آنها را در برابر فرزندانشان افزون‌تر می‌کند؛ زیرا مادران باید فرزند را با تعادل عاطفی پرورش دهند و این ویژگی را در وجود آنها تثبیت و تحکیم کنند. بی‌مهری مادر، مهمترین عامل از بین رفتن تعادل عاطفی فرزند است و چه بسا موجب افسردگی و پریشانی وی می‌شود (لورابریگ، ۱۴۰۰، ص ۴۷۹).

۸. نتیجه‌گیری

مادر در تربیت دینی کودک نقش مهمی دارد. او هم قبل از تولد و هم بعد از به دنیا آمدن کودک در دوران نوجوانی و جوانی در تربیت دینی نقش دارد. ایجاد رابطه بین کودک و خدا و وابستگی به پروردگار یکی از وظایف تربیتی مادر است. مادر باید به زندگی کودک رنگ الهی و خداآوری دهد تا فرزند بتواند برنامه زندگی‌اش را براساس قوانین خداوند برقرار کند. کودک از زمانی که متوجه صحبت‌های والدین شود و توانایی فهم صحبت‌های آنها را پیدا کند متوجه امر و نهی آنها می‌شود، البته نه به این معنا که والدین از همان سنین پایین برای کودک قوانین سختی را در نظر بگیرند. کودک به تدریج توان تشخیص رفتارهای خوب و بد را به دست می‌آورد. در این زمان والدین باید به شکل جدی‌تری تربیت کودک را آغاز کنند. از آنجاکه ارتباط کودک با مادر بیشتر است و مادر زمان بیشتری را برای کودک سپری می‌کند مادر در تربیت فرزند نقش بیشتری نسبت به پدر دارد. پدر چون زمان کمتری با کودک همراه است، ممکن است مسائل کمتری پیش بیاید که بخواهد اصول تربیتی را به کار بگیرد، ولی مادر مسائل بیشتری را شاهد است و نیاز است که نکات تربیتی را اعمال کند. به همین دلیل تربیت کودک بیشتر با مادر است. بنابراین، قرآن بیشترین ستایش را از زنان در نقش مادری داشته است. دستور صریح قرآن در واگذاری تربیت فرزند به مادر و الگوهای موفق مادران مریی است که در پژوهش حاضر به نمونه‌ای از مادران الگوی قرآنی به نام مادر حضرت مریم در سوره آل عمران اشاره شد.

فهرست منابع

- * قرآن کریم
- * نهج البلاغه
- ۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۶). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
- ۲. احمد بن فارس (۱۳۹۹). معجم مقاییس اللغة. بیروت: دار الفکر.
- ۳. اسپاک، بنیامین (۱۴۰۰). تغذیه و تربیت کودک. مترجم: مدنی، مصطفی. تهران: زوار.
- ۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱). انتظار بشر از دین. محقق: مصطفی پور، محمدرضا. قم: مرکز نشر اسراء.
- ۵. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲). وسائل الشیعه. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دار الشامیه.
- ۷. رشیدرضا، محمد (۱۹۹۰). تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار). بیروت: دار المعرفه.

۸. ری شهری، محمدمهدی (۱۳۸۵). منتخب میزان الحکمه. قم: دار الحدیث.
۹. سادات، محمدعلی (۱۳۸۴). تفاوت‌های دینی و غیردینی. نشریه راه تربیت، مرکز جهانی علوم انسانی، (۱)، ۷-۱۰، ۱۲۰.
۱۰. شریعتی، الهام، و کلانتر معتمدی، هاجرسادات (۱۳۹۶). جایگاه زن در اندیشه امام خمینی علیه السلام. نشریه علمی-پژوهشی نظریه اجتماعی متفکران مسلمان، سال ۷، شماره ۲، ۱۳۱-۱۵۳.
۱۱. صانعی، مهدی (۱۳۷۸). پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: انتشارات سناباد.
۱۲. صحیفه سجادیه (۱۳۸۲). مترجم: خلجی، محمدتقی. قم: پیام مهدی.
۱۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۷). معنویت تشیع. قم: انتشارات تشیع.
۱۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۱). مجموعه مقالات و پرسش‌ها و پاسخ‌ها. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۵. عابدی، سید مرتضی (۱۳۹۲). حقوق والدین. قم: انتشارات معصومین.
۱۶. فیض کاشانی، ملامحسن (بی‌تا). طریق النجاه (راه نجات). مترجم: حبیب‌زاده، رضا. تهران: پیام آزادی.
۱۷. قائمی، علی (۱۳۹۷). سازندگی و تربیت دختران. تهران: انجمن اولیا و مربیان.
۱۸. لورا، برگ (۱۴۰۰). روان‌شناسی رشد. مترجم: سیدمحمدی، یحیی. تهران: انتشارات ارسباران.
۱۹. مطهری، مرتضی (۱۳۷۱). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا.
۲۰. نراقی، ملااحمد (۱۳۸۳). معراج السعاده. قم: هجرت.